



Openness of criminal proceedings in the age of technology and human rights in Iran

¹Rahmatullah Nasirpour Shahreza, ²Mehdi Shidayan, ³Zeinab Shaidaian

Received : 2025/6/27

Accepted : 2025/3/29

Abstract

Today, from the perspective of the international community, the openness of criminal trials is considered one of the criteria for measuring compliance with human rights in the world. In addition to increasing public trust in the judiciary, the openness of the trial process also has educational functions and, more importantly, plays a special role in deterring crime in society. On the other hand, the rights of the accused or accused, in light of the public hearing in terms of transparency of events and confrontation between the parties to the lawsuit and judicial feedback in terms of the judgment of public conscience, are more respected than ever before. Their downfall in the criminal justice system, negative impact on the trial process, violation of confidentiality, anxiety and instability in the psychological security of the community, and violation of the principles of dignity governing criminal proceedings are among the serious concerns of opponents of openness and supporters of secrecy. The publication of the trial process, as a model of anonymous borderlessness of openness, has broken the bonds of physical walls and fences and, in the age of technology and cyberspace, has provided a court that spans the entire world and a trial in the view of billions of people with astonishing scope and speed. The publication of the trial process under special measures and in the shadow of the balance of «preserving the human dignity of the accused» and «preserving the public interest» can leave the fairness of the criminal trial to the public's judgment. This article, using an analytical-descriptive method, seeks to critically examine this challenging issue with the help of the viewpoints of supporters and opponents and by resorting to the legislative perspective of the country.

Keywords: Public hearing, secrecy, publication of proceedings, human dignity, public interest

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran; Farabi College, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.



علنی بودن دادرسی کیفری در عصر فناوری و حقوق بشر در ایران

رحمت اله نصیرپور شهرضا^۱، مهدی شیدائیان^۲، زینب شیدائیان^۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

چکیده

امروزه از منظر جامعه بین الملل، علنی بودن جریان محاکمات کیفری یکی از معیارهای سنجش رعایت حقوق بشر در دنیا به شمار می آید. علنی بودن جریان دادرسی علاوه برافزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضا، کارکردهای آموزشی را نیز در پی داشته و مهم تر از آن، نقش ویژه‌ای را در بازدارندگی از جرم در جامعه ایفا نماید. از دیگر سو، حقوق متهم یا متهمین، در پرتو رسیدگی علنی به لحاظ شفافیت وقایع و تقابل طرفین دعوی و بازخوردهای قضایی به لحاظ قضاوت وجدان عمومی، بیش از پیش مورد رعایت قرار می گیرد. پایین آمدن نظام عدالت کیفری، اثرگذاری منفی در جریان دادرسی، نقض محرمانگی، تشویش و تزلزل در امنیت روانی جامعه و تخدیش اصول کرامت مدار حاکم بر دادرسی کیفری از جمله نگرانی های جدی مخالفان علنی بودن و طرفداران سری بودن را شکل می دهد. انتشار جریان دادرسی، به عنوان مدل مرزناشناسانه ی علنی بودن، قید دیوارها و حصارهای فیزیکی را گسسته و در عصر تکنولوژی و فضای سایبر، با وسعت و سرعتی حیرت انگیز، دادگاهی به گستره ی تمام دنیا و محاکمه ای در منظر میلیاردها انسان را فراهم ساخته است. انتشار جریان دادرسی تحت تدابیر ویژه و در سایه ی پایاپای «حفظ کرامت انسانی متهم» و «حفظ مصالح عمومی» می تواند عادلانه بودن دادرسی کیفری را به قضاوت عموم واگذارد. این مقاله، به روش تحلیلی- توصیفی، درصدد آن است تا به مدد نظرگاه های موافقین و مخالفین و با توسل به نگاه تقنینی کشور، این موضوع چالش برانگیز را نقادانه موردبررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: دادرسی علنی، سری بودن، انتشار جریان دادرسی، کرامت انسانی، مصالح عمومی

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
کد ارکید: ۱۷۶۲-۴۹۹۶-۰۰۰۹-۰۰۰۹

۲- دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران؛ دانشکدگان فارابی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ir.ac.ut@sheidaeiان_m کد ارکید: ۹۴۷۱-۵۰۹۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰

۳- استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
کد ارکید: ۰۸۸۸-۲۷۳۱-۰۰۰۳-۰۰۰۰

مقدمه

علنی بودن دادرسی را از تضمینات حقوق کیفری دانسته‌اند چراکه مردم می‌توانند از نزدیک با رصد رویکردها و تعاملات قضایی و شیوه رسیدگی و محاکمه در دادگاه، باورهای خود مبنی بر اینکه دستگاه قضایی، ملجا و پناه مظلومان و ستمدیدگان است را تقویت کرده و قوام بخشند.

یک نظام کیفری مترقی همواره بر آن است تا تمامی سازوکارهای لازم در جهت تحقق و استقرار عدالت را به کار گیرد تا مبادا در فرآیند تعقیب و رسیدگی قضایی، خدشه و لطمه‌ای به حقوق و حیثیت فردی و اجتماعی آحاد آن جامعه وارد گردد.

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار ایران نیز با رویکردی نوین، ضمن در نظر داشتن آموزه‌های اخلاقی و عملی اسلام - به عنوان مظهر تشرف به انسانیت و آیین کرامت بخش- با دغدغه‌ی مصونیت حیثیت افراد و لزوم رعایت کرامت و نیز مساوات و برابری افراد از حقوق انسانی و با تبعیت از نظام‌های کیفری روز دنیا و با گرت‌برداری مستقیم از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلوه‌های آمرانه، ارشادی و عملی نوظهوری را در جریان تعقیب، بازداشت، تحت نظر و رسیدگی و محاکمه موردتوجه قرار داده است. علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از اصول مسلم اگرچه در قانون ایران سابقه تقنینی دارد اما ابرام بر آن در قرابت دیگر اصول و فروع موردنظر، بر غنای نگاه عدالت محور و کرامت مدار قانون یادشده افزوده است. اصل علنی بودن دادرسی در ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به اصول ۱۶۵ و ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با الهام از اسناد بین‌المللی -از جمله ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶۷ و ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر- منعکس گردیده است.

شاید برخی انتشار جریان دادرسی را نیز ثمره اصل علنی بودن و یا در راستای موضوعی و حکمی همان اصل تلقی نمایند؛ اما مفهوم شناسی دو واژه‌ی علنی و انتشار از یک‌سو و تفکیک این دو واژه از سوی قانون‌گذار، حقیقت دیگری را مبرهن می‌سازد. به لحاظ اهمیت مبحث انتشار جریان دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری و فاقد سابقه تقنینی در این خصوص، لازم است تناقضات و تعارضات احتمالی آن با اصول حاکم بر دادرسی کیفری به ویژه اصول کرامت مدار و تداخل مصلحت عامه با مصالح فردی موردبررسی، ارزیابی و توزین قرار گیرد.

به هر حال آنچه مسلم است قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک قانون متجدد سعی داشته به عنوان آیین‌های تمام‌نما، اصول بنیادین و مترقی محاکمات را در خود بازتاب دهد هرچند متأسفانه قانون‌گریزی‌ها و اعمال سلايق شخصی برخی

مجریان، گاه در عمل رمق و پویایی این قانون را به یغمای خودسرانگی ها برده است.

۱- مفهوم شناسی

۲-۱- علنی بودن

علنی [ع-ل] (ازع، ص نسبی، ق) مأخوذ از عربی عَـلَن. عَلَن. به معنای آشکارا، آشکار (دهخدا) و یا آشکارا، هویدا؛ و به طور آشکارا (فرهنگ معین) آمده است. سری نیز در مقابل واژه علنی و منسوب به سر؛ به معنای مخفی؛ پوشیده (فرهنگ معین) می باشد.

در اصطلاح حقوقی، هرچند به طور منطقی مفهوم علنی بودن در قوانین کیفری ماهوی با مفهوم علنی بودن در قوانین شکلی متفاوت است، اما از جهات مختلف، خصوصاً از این لحاظ که هر دو به معنای مکان و یا فضایی که امکان حضور همه افراد در آن می باشد، به یکدیگر شباهت دارند و قابل تطبیق هستند (تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری)^۱

علنی بودن دادرسی کیفری به معنای برگزاری جلسات رسیدگی به اتهام متهم بدون ایجاد مانع برای حضور افراد عادی و رسانه های عمومی است، به طوری که هر شخصی بتواند آزادانه وارد جلسه دادگاه شده و جریان دادرسی را مشاهده کند. این اصل یکی از مؤلفه های مهم دادرسی منصفانه و حق از حقوق بشر در دعاوی کیفری محسوب می شود و هدف آن فراهم کردن نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی، اطمینان از اجرای عدالت، پیشگیری از جرم و حفظ حقوق دفاعی متهم است.^۲

در حال در تعریف علنی بودن دادگاه گفته اند: علنی بودن یعنی آزاد بودن ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از جریان آن آگاه شوند. این وسیله ای است برای منع پاره های از انحرافات^۳

قانون گذار در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ تعریفی از علنی بودن محاکمات در تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ارائه داده بود: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در تبصره ذیل ماده ۳۵۲ بیان داشته: منظور از علنی

۱- امیدی، جلیل و سمیه نیکویی، مدرس علوم انسانی، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷ شماره ۳، پیاپی ۵۸.

۲- امیدی، جلیل، تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، مدرس علوم انسانی-پژوهش های حقوق تطبیقی ۱۳۸۷ شماره ۳ (پیاپی ۵۸)

۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ج ۲، تهران گنج دانش، ۱۳۸۱

بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.

جوهره ی اصلی دادرسی علنی، حضور مردم برای اجرای حق نظارت عمومی بر دادگاه‌هاست. صرف حضور طرف های دعوا و حتی گواهان، علنی بودن دادرسی را فراهم نمی‌کند؛ بلکه باید درهای دادگاه بدون هیچ‌گونه تبعیضی به روی مردم گشود باشد^۱

هرچند علنی بودن دادرسی کیفری حقی است برای تک‌تک افراد جامعه با توجه به امکانات مادی محل تشکیل دادگاه‌ها این حق محدودیت پذیر است. دادرس تنها تا اندازه‌ای که فضای دادگاه و شمار صندلی های خالی موجود در آن امکان پذیرش افرادی به جز طرف های دعوا و وکیل آنان را می دهد مکلف به پذیرش آنان است و بیش از آن وظیفه ای ندارد.^۲

برای حفظ اعتماد به صداقت و استقلال دادگاه‌ها ضروری است که مراحل قضایی کاملاً در معرض نظارت و انتقاد عمومی و حرفه ای قرار بگیرند؛ و این واقعیت که دادگاه‌ها باید به‌صورت علنی برگزار شوند و نه به‌صورت پنهانی، جنبه اساسی شخصیت آن‌ها است.

علنی بودن دادرسی مستلزم فراهم آوردن شرایط و الزاماتی است. برای برگزاری علنی محاکمه، لازم است که افرادی به جز طرف‌های دعوا و گواهان در جلسه رسیدگی حضور داشته باشند. بدین منظور، شهروندان باید از زمان و مکان جلسه‌های دادرسی آگاهی یابند. افزون بر مردم عادی، نمایندگان رسانه‌ها نیز باید در این جلسه‌ها حضور داشته باشند تا گزارش جریان محاکمه را به آگاهی افرادی که به دلایلی نتوانستند در دادگاه حضور یابند، برسانند.^۳

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۲- انتشار دادرسی

انتشار، [اِ ت] (ع مص) در لغت به معنای گسترده گردیدن، فاش شدن، خبر فاش شدگی و شیوع و شایعشدگی و شیوع یافتگی (دهخدا) است.

۱- حدیثی، عبدالرزاق و عمر فخری، حق المتهم فی محاکمه عادلّه؛ الطبعه الاولى، دارالتقافه النشر و التوزیع، ۲۰۰۴.
 ۲- خالقی، علی، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی، مجله پژوهشهای حقوقی، ش ۵، ۱۳۸۳.
 ۳- نکویی، سمیه، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

اگرچه تعریفی اصطلاح حقوقی انتشار در آیین دادرسی کیفری ارائه نگردیده است اما به نظر نگارنده، منظور از انتشار جریان دادرسی، پوشش خبری و یا اعلام عمومی گزارش (اعم از رسمی یا غیررسمی) مختصر یا مبسوط به صورت مکتوب یا صوتی و تصویری از فرآیند رسیدگی در دادگاه و محاکمه تا حصول نتیجه (رای صادره) به وسیله‌ی جراید، رادیو و تلویزیون و یا دیگر رسانه های جمعی (اعم از مجازی و غیرمجازی) است.

در مواردی ضبط تصویر یا صدای افراد و پخش آن در مکان یا موقعیتی عرفاً حساس صورت می‌پذیرد که می‌تواند ناقض حریم خصوصی آنان محسوب گردد. بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، زندان‌ها، کلانتری‌ها، دادسراها و تیمارستان‌ها از بارزترین مصادیق مکان‌های حساسی‌اند که فعالیت رسانه‌ها در این مکان‌ها باعث نقض حریم خصوصی اصحاب دعوا و سایرین می‌شود. علاوه بر این ضبط صدا و تصویر افراد حاضر، نیازمند رضایت آن‌ها یا نمایندگان قانونی آن‌هاست^۱

قانون انتشار دادرسی در ایران با هدف تعادل بین حق دسترسی عمومی به اطلاعات و حفظ حقوق فردی تنظیم شده است، اما در عمل با چالش‌هایی مانند ابهامات قانونی و نارسایی‌هایی مواجه است که نیازمند بررسی و اصلاح است.^۲

تبصره ۱ ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ا.ک. مصوب ۱۳۷۸ انتشار جریان دادرسی را تجویز ننموده و بیان داشته بود: منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد، لکن انتشار آن‌ها در رسانه های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات محکوم می‌شود.

البته این تبصره بعدها در مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ اصلاح گردید. تبصره اصلاحی مقرر می‌داشت: «منظور از علنی بودن محاکمه عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افتراست.»

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به عنوان قانون مجری در کشور به موجب

۱- محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، ایالات متحده امریکا و فقه امامیه، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.

۲- شکری، پرنیان، خالقی، ابولفتح، مطالعه حق بر دادرسی علنی و حضوری در دیوان کیفری بین المللی و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ۱۴۰۲.

ماده ۳۵۳ با گرتن برداری عمده از تبصره اصلاحی یادشده اشعار داشته: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان پذیر است تخلف از مفاد این ماده در حکم افترا است.»

با اندکی مذاقه در متن تبصره قانون منسوخ و متن ماده حاضر، موارد افتراق آن قابل ملاحظه و تأمل قرار می‌گیرد که در اصطلاحشناسی «انتشار» از منظر قانون‌گذار در دو مقطع زمانی و تقیید یا اطلاق این مفهوم مفید فایده خواهد بود:

۲-۱-۱- شیوه تهیه گزارش و چگونگی انتشار

تبصره اصلاحی ماده ۱۸۸ قانون سابق (۱۳۷۸)، صرفاً تهیه و انتشار گزارش مکتوب را مورد امان نظر خود قراردادده بود چه اینکه با مقید ساختن تهیه گزارش به شیوه مکتوب، تجویزی در جهت تهیه گزارش به صورت تصویری یا ضبط صدا و... نداشته و لاجرم انتشار آن گزارش نیز در قالب مکتوب و یا ارائه کلامی آن مکتوبه از سوی ثالث امکان‌پذیر است؛ حال آنکه ماده ۳۵۳، بدون تصریح به شیوه تهیه گزارش، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در رسانه‌ها را نیز به نحو اطلاق مطرح ساخته که این بیان، مشعر بر امکان تهیه فیلم، صدا و یا تهیه گزارش به هر نحو و انتشار آن در همان قالب یا قالب‌های رایج دیگر است.

شاید این باور به ذهن متبادر گردد که رشد تکنولوژی و توسعه فضای سایبری و نیز روزآمدی امکانات، موجب گردیده که قانون‌گذار، واژه‌ی مکتوب را در بیان شیوه تهیه گزارش کنار گذارده و به اطلاق در بیان روی آورد؛ اما واقعیت آن است که در سال ۱۳۸۵ (زمان اصلاح تبصره ماده ۱۸۸ قانون سابق) نیز امکانات ضبط صدا، تصویر و... نیز وجود داشت و حذف واژه‌ی مکتوب، نگاه توسیعی قانون‌گذار را در امکان بهره‌گیری از هر نوع وسیله، ابزار و شیوه در تهیه گزارش از روند رسیدگی را نشانگر است.

هرچند با پذیرش امکان گزارش‌گیری صوتی یا تصویری، با ابزارهای امروزی از قبیل دوربین‌های فیلم‌برداری، دستگاه‌های ضبط دیجیتال و یا گوشی‌های تلفن همراه، چه‌بسا با تضمین و قید مقرر در ماده مبنی بر عدم امکان شناسایی طرفین پرونده یا هویت آنان سازگاری نداشته باشد.

در پرونده‌های کیفری، تشکیل پرونده شخصیت متهم نیز انجام می‌شود که شامل اطلاعات شخصی، خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی، پزشکی و روان‌پزشکی متهم است

و این اطلاعات در گزارش مددکار اجتماعی و پزشکی جمع آوری می شود. گزارش ها باید به گونه ای تنظیم شوند که از افشای غیرمجاز اطلاعات محرمانه جلوگیری شود و در صورت اعتراض متهم یا وکیل وی، بررسی و اصلاح لازم صورت گیرد^۱.

۲-۲-۲- گزارش گیرنده و ناشر

همان گونه که از نص تبصره اصلاحی ماده ۱۸۸ برمی آید این خبرنگاران هستند که می توانند با حضور در دادگاه ها مبادرت به تهیه گزارش نمایند و طبیعتاً همانان نیز حق در اختیار گذاردن و نشر گزارش تهیه شده را در رسانه ها خواهند داشت؛ اما اطلاق بیانی در ماده ۳۵۳ قانون جاری، مشعر بر آن است که هر کس می تواند از جریان رسیدگی دادگاه گزارش تهیه کرده و رأساً یا به توسط شخص دیگری آن را منتشر نماید. مگر آن که قایل باشیم که یا در تبصره اصلاحی ماده ۱۸۸ قانون سابق، ذکر عبارت خبرنگاران نافی و مانعی برای تهیه گزارش توسط دیگر اشخاص نیست و یا در متن ماده ۳۵۳ قانون جدید، با این لحاظ که تهیه گزارش و انتشار آن از خصایص شغلی و حرفه ای خبرنگاران است، با گذار از حذف این عبارت و اغماض نسبت به آن، تهیه و انتشار گزارش توسط اشخاصی غیر از خبرنگاران را غیرموجه قلمداد نماییم. هرچند قایل بودن به نص، مانع از چنین برداشت ناصواب و تخصیص و ترجیح بلا مرجح است؛ چرا که برخلاف تبصره ۲ ماده مزبور که مقید به محاکمات علنی است متن ماده، در مقام بیان به نحو اطلاق بوده و انتشار گزارش پرونده یا جریان رسیدگی، با فرض عدم بیان نام و مشخصات طرفین، مشمول محاکمات غیرعلنی نیز می گردد؛ حال آنکه طبیعتاً در محاکمات غیرعلنی، امکان حضور برای غیر اصحاب دعوی و مرتبطين (شهود و مطلعین، کارشناس و...) و قضات ممکن نیست و لذا اگرچه امکان انتشار توسط ثالثین غیر مرتبط با پرونده متصور است؛ لیکن امکان تهیه گزارش از پرونده و فرایند رسیدگی توسط اشخاص غیر مرتبط قابل پردازش نمیباشد.

۲-۲-۳- شرایط و قیود موارد قابل انتشار

با نگاهی به منطوق و مفهوم ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) و دو تبصره ذیل این ماده، شرایط و قیود مواردی که امکان انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده ملحوظ نظر قانون گذار بوده استخراج و استنتاج می گردد:

الف- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده محاکمات (اعم از علنی یا غیر علنی) با شرط و قید عدم بیان مشخصات شکات و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان.

۱- دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم (مصوب ۱۳۹۸)

ب - انتشار حکم قطعی پرونده محاکماتی (اعم از علنی یا غیر علنی) با ذکر مشخصات محکوم علیه در موارد مقرر در قانون (مانند ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

ج - انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی با ذکر مشخصات شاکی و متهم در صورتیکه به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و با حفظ نظم عمومی جامعه ضرورت یابد به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه.

۲- رابطه انتشار با علنی بودن

علنی بودن دادرسی یعنی جلسات رسیدگی بدون مانع برای حضور افراد عادی و رسانه ها برگزار شود تا مردم از اجرای عدالت و بی طرفی قاضی اطمینان حاصل کنند و نظارت عمومی مستقیم اعمال شود. این اصل در قانون آیین دادرسی کیفری نیز تصریح شده است. با این حال، علنی بودن دادگاه به معنای آزاد بودن انتشار هرگونه اطلاعات مربوط به دادرسی نیست. مطابق ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در رسانه ها مجاز است، ولی نباید مشخصات شاکی و متهم یا هویت فردی، اداری و اجتماعی آنان ذکر شود مگر در موارد خاصی که ضرورت حفظ نظم عمومی یا وجدان جمعی ایجاب کند و با مجوز دادستان کل کشور و رئیس قوه قضائیه باشد.^۱

از مبانی حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی، علنی بودن دادرسی ها است. کشورهایی که این اصل را در رسیدگی های قضایی مورد استفاده قرار می دهند به دودسته تقسیم شده اند. دسته اول کشورهایی هستند که دیدگاه سنتی خود را از اصل علنی بودن دادرسی ها حفظ کرده اند و از تفسیر مضیق این اصل استفاده کرده اند و صرفاً عدم مانع برای حضور در دادرسی را از معیارهای علنی بودن می دارند. اما دسته دیگر، کشورهایی هستند که دیدگاه جدیدی نسبت به این اصل دارند و حضور فیزیکی را شرط و معیار علنی بودن نمی دانند بلکه با تصویب مقررات جدیدی در این زمینه، مانند قوانین دسترسی الکترونیکی و آنلاین به دادرسی ها که برای مثال در برخی از ایالت های امریکا و کانادا به تصویب رسیده اند، راه دسترسی را برای عموم و رسانه ها باز کرده اند و مفهوم علنی بودن را از این محدودیت صرف حضور، خارج کرده اند و این همان تفسیر موسع از اصل علنی بودن دادرسی ها می باشد.^۲

۱- رحمانی، قدرت الله، استثنا پذیری اصل علنی بودن دادرسی در رسیدگی به جرایم رسانه ای: گذار از یک سنت معیوب قضایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸ (۳۱)، ۱۳۹۹، ۱۷۷-۱۹۸.

۲- انصاری، باقر، مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، ش ۳۵، ۱۳۹۰.

به طور کلی، انتشار گزارش پرونده یا انتشار جریان رسیدگی هیچ ملازمه ای با علنی بودن آن ندارد! چه اینکه همان گونه که گفته شد ماده ۳۵۳ انتشار مقید محاکمات غیر علنی را نیز در برمی گیرد.

از دیگر سو بنا بر آنچه در تعریف اصطلاحی علنی بودن محاکمه در تبصره ذیل ماده ۳۵۲ آمده است، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است؛ حال آنکه انتشار گزارش پرونده و انتشار جریان رسیدگی بیشتر مفهومی غیر محصور در مکان فیزیکی و یا زمان مشخص را به ذهن متبادر می سازد.

خلط این دو مقوله توسط برخی حقوقدانان و نویسندگان حقوقی، ضمن هدایت آنان به بیراهه های بحث، موجب گردیده تا در این مسیر به نتایجی ناصواب نایل آیند.

یک از نویسندگان در مقاله خود که در زمان حاکمیت قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ نگارش یافته است با نگاهی نقادانه به تبصره ذیل ماده ۱۸۸، بیان داشته ابتدای تبصره ی [مزبور] با پایان آن همخوانی نداشت. زیرا، از یک سو حضور مردم را در دادگاه آزاد می دانست و از سوی دیگر، انتشار جریان محاکمه همان دادگاه را در مطبوعات ممنوع اعلام می کرد. از این رو، این پرسش مطرح می شد که چه تفاوتی میان افراد حاضر در دادگاه با افرادی که در خانه نشسته و از رهگذر صداوسیما یا روزنامه ها از مطالب آن دادگاه آگاه می شوند، وجود دارد؟^۱

این بیان اگرچه مربوط به ماده یادشده در قانون سابق است اما از این منظر که نویسنده، علنی بودن را مصادف با امکان انتشار آن دانسته، مورد نقد و نظر در موضوع مقاله حاضر است.

۳- شرایط لازم برای امکان انتشار با ذکر نام و مشخصات

در پرتو یافته ها و ملاحظات جرم شناسی و اصول بنیادین محاکمات جزایی، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بر آن بوده است تا با طرح قیود و ضوابطی نظام مند، در جهت حفظ حرمت و کرامت اشخاص گام بردارد. از همین رو، در ماده ۳۵۳، بر ممنوعیت افشا و انتشار هویت و موقعیت اشخاص در جریان رسیدگی تأکید داشته و بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم علیه را فقط در موارد مقرر در قانون تجویز نموده است؛ اما تبصره ذیل این ماده، با طرح استثنایی بر اصل، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم باشد را تحت شرایطی مورد پذیرش واقع ساخته است. به عبارت دیگر، انتشار جریان دادرسی و گزارش پرونده با ذکر نام و مشخصات شاکی و متهم صرفاً با فرض تجمیع شرایط مقرر در تبصره امکان پذیر می باشد که این شرایط عبارت اند از:

۱- نکویی، سمیه، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

۱-۴- محاکمه علنی باشد

همان گونه که توضیح آن گذشت بنا به تبصره ذیل ماده ۳۵۲ قانون آذک، منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. از این رو در صورتی که جریان محاکمه غیر علنی است، حتی با فرض وجود شرایط و قیود دیگر، محملی برای انتشار آن وجود ندارد.

سؤال اینجاست که اگر دادگاه رسیدگی کننده قرار غیر علنی بودن محاکمه را در مواردی مانند بند ب ماده ۳۵۲ صادر نماید، لیکن در مواردی مانند پرسشگری آحاد مردم از جریان و چگونگی محاکمه و متعاقب آن بر هم خوردن جدی نظم عمومی جامعه، با امعان نظر به اصل استقلال محکمه و قاضی، آیا مقامات مذکور در ذیل تبصره ۲، می توانند نسبت به قید علنی مندرج در ماده اغماض نموده و مبادرت به انتشار جریان محاکمه نمایند و یا نقض استقلال قاضی مربوط، دادگاه را علنی اعلام دارند؟ تردیدی نیست که پاسخ به این دو سؤال از منظر حقوقی منفی است؛ اما سؤال تالی و اصلی در این جهت آن است که در شرایطی که تبصره مزبور، به عنوان یک استثنا (امکان انتشار مشخصات) بر اصل مندرج در ماده (ممنوعیت انتشار مشخصات) وارد شده و استثناء، با درنوردیدن اصول حاکم بر دادرسی کیفری، آن اصول را فدای مصلحت جمعی نموده، قید علنی در صدر تبصره، چه محملی داشته است؟

۲-۴- خدشه دار شدن وجدان عمومی و یا حفظ نظم عمومی

با توجه به عبارت: «از قبیل...»، در تبصره ۲ ذیل ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مشخص و مبرهن است که دو عبارت «خدشه دار شدن وجدان عمومی» و «حفظ نظم عمومی»، به عنوان دو توجیه تمثیلی ذکر شده است و حصری در این خصوص وجود ندارد؛ چه اینکه با وجود حرف ربط «یا» در بین دو عبارت مذکور، وجه تمثیلی و عدم احصای قانونی موارد قابل توسل برای توجیه تجویز انتشار، قابل استنتاج است و چه بسا این بیان موسع قانون گذار، موجب گردد تا به بهانه مصلحت انگاری های سلیقه ای، دایره توجیهاتی که برای تجویز انتشار گزارش پرونده یا جریان دادرسی با ذکر مشخصات شاکی و متهم قابل طرح است، توسط مجریان قانون توسعه یابد.

۳-۴- ضرورت یابی انتشار

ضرورت از نظر لغوی، به معنای لزوم و انفکاک ناپذیری است و در اصطلاح فلسفه درجایی به کار می رود که یک محمول مثل «الف» از یک موضوع مثل «ب»، جدایی ناپذیر و غیر قابل انفکاک باشد.^۱ با توجه به متن تبصره، ضرورت یافتن انتشار، مقید به یک مبنا یعنی وجود یا لزوم علل

۱- مدنی شیرازی، علی خان بن احمد، الطراز الأول، محقق: السید علی بن أحمد بن محمد معصوم الحسینی، قم، ۱۴۲۶ هـ. ق.

یا شرایطی (خداشه دار شدن وجدان عمومی یا حفظ نظم عمومی جامعه و...) گردیده است؛ اما این که این ضرورت؛ ملازمه ازلی، ذاتی و یا عرضی با آن علت دارد، محل بحث است. اینکه مثلاً آیا خداشه دار شدن وجدان عمومی همواره و در هر شرایطی ضرورت انتشار را مستقر می سازد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا نمی توان متصور شد که وجدان عمومی خداشه دار شده اما ضرورتی برای انتشار جریان محاکمه وجود ندارد؟ و یا اینکه ضرورت یابی با چه معیاری قابل سنجش است و یا ملاک تشخیص بروز و ظهور عللی که موجبات ضرورت را فراهم ساخته است چیست؟

۴-۴- امکان انتشار در نظام تقاضا و تائید (تجویز)

با فرض تحقق موارد سه گانه فوق، لزوماً طرح درخواست انتشار از سوی دادستان کل کشور خطاب به رئیس قوه قضاییه به عمل خواهد آمد و در صورت موافقت رئیس قوه قضاییه با درخواست مذکور، انتشار جریان رسیدگی و یا گزارش پرونده با ذکر مشخصات شاکی و متهم صورت می پذیرد.

بنا به متن تبصره که دادستان را مرجع دادخواست انتشار ذکر کرده است، این مفهوم مستفاد می گردد که مرجع تشخیص ضرورت، شخص دادستان کل کشور است. در این مجال این سؤال چالش برانگیز قابل طرح است که: با فرض تحقق علل و شرایط خاص که لزوم انتشار محاکمه برای پاسخگویی به اذهان عموم احساس می شود، چنانچه نظر دادستان کل کشور، بر عدم ضرورت انتشار باشد، آیا رئیس قوه قضاییه می تواند راساً به عنوان مرجع تشخیص ضرورت نسبت به انتشار، دستور دهد؟

بنابر آنچه گفته شد، تردیدی نیست که ضوابط قانونی مذکور، یعنی اصل ممنوعیت افشاء و انتشار هویت، مشخصات و موقعیت اشخاص در رسیدگی های کیفری و مطلق بودن این ممنوعیت در مرحله پیش دادرسی (دادسرا)، استثنایی بودن امکان انتشار و نیز محدود بودن آن به محاکمات علنی و در مرحله دادگاه و سرانجام لزوم مستدل و موجه بودن افشاء و انتشار در هر پرونده و ضرورت وجود تائید رئیس قوه قضاییه کاملاً مسلم و اجتناب ناپذیر بوده و بنابراین همه رسانه ها مکلف اند این الزامات و دستورهای تقنینی کیفری را در هر شرایطی رعایت نمایند. اگرچه دستورالعمل مقرر در تبصره یادشده به موجب بند سوم استیلان ریاست قوه قضاییه وقت (۱۳۹۷) از رهبری ناظر به علنی بودن و قابل انتشار بودن جلسات دادگاه به تشخیص ریاست دادگاه، مورد تزلزل جدی واقع شده که متعاقباً در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

۴- انتشار جریان دادرسی از دیدگاه اصول کرامت مدار

امنیت قضایی که به معنای مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض، تجاوز و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت، شغل و مسکن و به طور کلی تمام

حقوق قانونی و مشروع آن‌هاست و آن‌وقتی تحقق پیدا می‌کند که جرائم، تخلفات، تقلب، فساد و موجبات ارتکاب آن در جامعه ریشه‌کن شود و به‌طور کلی عواملی که موجب خسارت مالی یا جانی یا روحی افراد می‌شوند، از بین بروند و یک محیط امن و آرام به وجود آید تا عموم جامعه بتوانند در آن از هر حیث احساس آرامش و آسایش پیدا کنند.^۱

دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه، مصوب ۱۳۹۸ در ماده ۴ خود اشعار داشته است: در نظام قضائی ایران، دادرسی عادلانه مستند به اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله اصول نوزدهم، بیستم، بیست و دوم، سی و دوم، سی و چهارم تا سی و نهم، یک‌صد و شصت و پنجم تا یک‌صد و شصت و نهم و برخی قوانین و مقررات است و بر این اساس، مراجع قضائی مکلف‌اند اصولی چون علنی بودن محاکمات، قانونی بودن جرم و مجازات، تساوی همگان در برابر قانون و عدم هرگونه تبعیض ناروا، منع بازداشت خودسرانه، حق متهم بر تفهیم اتهام و محاکمه در اسرع وقت و دسترسی به وکیل، براءت، منع شکنجه برای اخذ اقرار، حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع قضائی، برابری امکانات دفاع، تناظر و همچنین حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی انسان و حفظ حرمت و مصونیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را در تمام فرآیند رسیدگی، مقررات قانونی مربوط را رعایت نمایند.

۱-۴- اصل براءت

اصل براءت یکی از درخشانترین دستاوردهایی تمدن بشری است که ریشه در فطرت عدالت‌خواه بشر و عقل سلیم وی دارد. امروزه، این اصل از بنیادی‌ترین اصول حقوقی هر نظام کیفری قانونمند است؛ هم‌چنانکه اولین رکن و اساسی‌ترین پایه در قانون آیین دادرسی کیفری به شمار می‌رود.

اصل براءت محصول فکری یک یا چند متفکر یا حقوقدان نیست، بلکه اندیشه اندیشمندان در قرون متمادی آن را ایجاد کرده است. این اصل حافظ بسیاری از حقوق و آزادیهای اساسی است.^۲

اصل براءت به معنی فرض بی‌گناهی متهم می‌باشد و منظور از آن مصونیت بخشیدن

۱- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر؛ ج ۳، تهران مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۲.

۲- اکبری رومنی، فرناز، اصل براءت در گذار تاریخ، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۳۰۶۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

افراد عادی از تعرض سایرین به ویژه صاحبان قدرت و قوای عمومی است.^۱

با ظهور اندیشه‌های آزادیخواهانه و فردگرایانه در قرن ۱۸ و آغاز نهضت روشنگری و انسان‌گرایی مبتنی بر اصول علمی و عقلی بشری، نسبت به اصل برائت توجه بیشتری مبذول گشت و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ اعلام نمود که «هر انسانی بی‌گناه است مگر آن که بزهکاری او ثابت شود» بعد نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در بند ۱ ماده ۱۱ «اصل برائت» را اعلام نمود.

با تأسی از اعلامیه حقوق بشر، اکثر کشورها در قوانین اساسی خود «اصل برائت» را صریحاً مورد بیان و تأیید قرار دادند و خواستار رعایت این اصل در دادرسی‌های کیفری شدند. «اصل برائت» در طول قرن بیستم با ظهور برخی رژیم‌های توتالیتار چون آلمان نازی، ایتالیای فاشیست و روسیه کمونیستی و بروز دو جنگ جهانی فراز و نشیب‌هایی داشت به‌طوری‌که مقاطعی شدیداً مورد تعرض و خدشه واقع شد.^۲

در حقوق کشور ما، قانون مدنی در ماده ۱۲۵۷، اصل برائت را مورد توجه قرار داده و ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی نیز، این اصل را مورد تصریح واقع ساخته است.

در امور کیفری وفق اصل ۳۷ قانون اساسی «اصل بر برائت متهم است»؛ مگر این‌که دلیل قاطع بر مجرمیت وی موجود باشد. لذا برای مجرم قلمداد نمودن فرد باید دلیل قاطع وجود داشته باشد. این الزام به قطعیت داشتن دلایل در حقوق مدنی و تجارت به این شدت وجود ندارد؛ زیرا در امور کیفری با حیثیت، آزادی و چه‌بسا جان افراد بازی می‌شود. یک دلیل غیرموجه می‌تواند فرد را به چوبه دار بفرستد و یا مجرم خطرناکی را از مجازات برهاند.^۳

۷۵

قانون آیین دادرسی کیفری نیز در ماده ۴، با تمسک به این اصل، اشعار می‌دارد: اصل برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در صورت این اقدامات نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

اما آنچه از برآمد این اصل مهم و بنیادین، حاصل می‌گردد آن است که انتشار گزارش

۱- شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲- شرکشیان، سید حسین، اصل برائت متهم در حقوق کیفری ایران، روزنامه حیات نو، ۱۳۸۳.

۳- دینانی، عبدالرسول، ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری، نشر تدریس، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

پرونده و جریان دادرسی، در نقض و تخلف مسلم با این اصل است. اصلی که هیمنه و سایه‌ی استیلای آن به گسترهی تمامی مرزهای ترسیم‌شده در حقوق کیفری بوده و میزان پابندی به آن، معیار ارزش‌گذاری و استحکام در یک نظام کیفری به شمار می‌آید.

تردیدی نیست که اعلام و انتشار گزارش پرونده و جریان دادرسی، ذهنیت و باور عمومی را از اینکه شخص، صرفاً در معرض اتهام است فراتر برده و گاه قضاوت‌های عجولانه و تعصبات اجتماعی تا آنجا پیش می‌رود که شخص متهم از منظر باورگاه عمومی، شخصی مجرم تلقی گردیده و حتی انتظار عوامانه، سنگین‌ترین مجازات ممکن را در حق وی روا می‌دارد. باورگاهی که از دو سو خطرساز و بحران‌آفرین است: القای پذیرش عرف به دستگاه قضایی مبنی بر مجرمیت و لزوم محکومیت به‌رغم تمایل علمی و قضایی به برائت متهم به جهت فقد یا ضعف ادله و یا موجه بودن دفاعیات؛ و دیگر، بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی و متهم ساختن آن به بی‌عدالتی در صورت صدور حکم برائت، با توجه به هجمه‌ها و انتظار عمومی در صدور حکم به محکومیت!

به بیان دیگر، باید بپذیریم با انتشار گزارش پرونده یا جریان یک محاکمه، حاشیه پردازی‌ها و تحلیل‌های غیرحقوقی در بستر اجتماع، اعتقاد و انتظار عمومی را به سمت و سوی لزوم محکومیت سوق می‌دهد و برآوردن نشدن این انتظار —هرچند نابجاست— تقدس عدالت قضایی را از دید عوام، با سؤال و تردید مواجه می‌سازد! و از این رو دستگاه قضایی را با این چالش جدی مواجه می‌سازد که از سویی باید برمدار و محور عدالت، اتخاذ تصمیم نماید و از دیگر سو، در هجمهی خاستگاه عمومی، باید انتظار عرفی و عمومی آحاد جامعه را پاسخگو باشد!

۲-۴- اصل مصونیت حیثیت و لزوم حفظ کرامت انسان

حفظ‌شان، اعتبار و منزلت فردی و اجتماعی اشخاص و نیز مصونیت آنان از هرگونه تعرض، از حقوق اولیه و اساسی شهروندان به شمار می‌رود و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت در اصول ۲۲ و ۳۷ خود به آن اشعار داشته است.

بر پایه اصل ۲۲، «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». از همین رو، قطعاً انتشار نام و مشخصات متهم و مظنونی که چه‌بسا صرفاً شایبه و احتمال ارتکاب جرم در مورد وی مطرح است، موجبات هتک آبرو و حیثیت وی را فراهم خواهد ساخت.

اصل ۳۹ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب

مجازات است.

این اصول را باید متبلور از اصول اخلاقی دین مبین اسلام دانست. اگرچه این اصول، بناها در سیستم عدالت کیفری کشورهای داعیه دار حقوق بشر نیز متجلی است و به عنوان اصل بنیادین حاکم بر دادرسی کیفری پذیرفته شده است.

علاوه بر اصول یادشده در قانون اساسی، در قوانین شکلی و ماهوی کیفری نیز بر احترام به حیثیت و حفظ کرامت انسانی در جریان تعقیب، تحقیق و دادرسی تأکید و ابرام داشته اند. همچنین آیین نامه های مصوب و دستورالعمل های صادره از سوی دستگاه قضایی بر این مهم همواره اصرار ورزیده است. به عنوان نمونه دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش های انسانی در قوه قضائیه را می توان در همین راستا مورد امعان نظر قرارداد که در مباحث آتی بدان پرداخته خواهد شد.

علاوه بر آن، «دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم» که با عنایت به مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری و نظر به اهمیت شناخت ابعاد شخصیتی و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی متهمان، به ویژه اطفال و نوجوانان و کاربرد اطلاعات شخصیتی آنان در فرایند رسیدگی قضایی اعم از تحقیقات مقدماتی، دادرسی، صدور و اجرای حکم و تأثیر آن بر اتخاذ تصمیمات قضایی و اجرای عدالت کیفری از سوی قوه قضائیه صادر گردیده است، شق دیگری از این رویکرد کرامت مدار است؛ چراکه ابعاد شخصیتی متهم از جنبه های فردی و اجتماعی را مؤثر در تصمیم گیری های قضایی، صدور آراء، بهره گیری از نهادهای تخفیفی، تعلیقی و تعویقی و... دانسته (ماده ۱۴) و از دیگر سو، در جهت حفظ حرمت، کرامت و حیثیت متهم، بر محرمانگی اطلاعات پرونده شخصیت وی تأکید ورزیده است (ماده ۱۶).

۳-۴- اصل برابری و عدم تبعیض ناروا

برابری اشخاص در بهرهمندی از حقوق و امکانات مساوی، از جمله اصولی است که زیربنای عدالت اجتماعی و قضایی را تشکیل می دهد.

اصل نوزدهم قانون اساسی در فصل سوم این قانون که به حقوق ملت اختصاص دارد، چنین اشعار می دارد که: «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این ها سبب امتیاز نخواهد بود»

در بند نهم از اصل سوم قانون اساسی نیز بیان شده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به اهداف اصل دوم مکلف به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی می باشد».

هم چنین در بند ششم از اصل سوم قانون اساسی یکی دیگر از وظایف دولت را محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی دانسته است؛ بنابراین، بر مبنای آنچه گفته شد ملت ایران باهم برابر و یکسان بوده و هیچ کس را بر دیگری امتیازی نیست و تمامی مردم ایران در برابر قانون مساوی و برابر بوده و هیچ کس حق ندارد، مانع حمایت قانون از حقوق آحاد ملت شود و یا خود را برتر از دیگران بداند.

برابر بند چهاردهم اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم مردم در برابر قانون به کار گیرد.

هم چنین به موجب اصل بیستم تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل برابری و تساوی برابر قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن چنان از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی بالاترین شخصیت نظام یعنی مقام رهبری را از این اصل مستثنا نکرده و در ذیل اصل صد و هفتم قانون اساسی چنین آورده است: رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.»

از این رو، امکان بهره‌مندی همه افراد جامعه از دادرسی عادلانه و احقاق حق از سوی حکومت، فارغ از موقعیت و جایگاه اجتماعی و... از ضروریات یک نظام عدالت محور است؛ اما اینکه انتشار گزارش پرونده‌ی قضایی یک شخص یا اعلام و انتشار عمومی جریان محاکماتی وی با ذکر نام و مشخصات، خرق در عدالت و نقض در برابری و اعمال تبعیض ناروا به شمار می‌آید محل بحث جدی است؛ چرا که این راهبرد -حتی در موارد استثنایی- تقابل در اصول و تهاجم و صدمه به رستگاه‌های حقوق شهروندی را به ذهن متبادر می‌سازد. چرا که در نگاهی هرچند شتاب‌زده، نابرابری و تبعیض در رویکرد و عمل را بیانگر است.

۴-۴- اصل محرمانه بودن جریان دادرسی

اصل محرمانگی تحقیقات مقدماتی حقوق کیفری ایران به موجب ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تأکید قرار گرفته و انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی جز در موارد و شرایط خاص مذکور در ماده‌ی مذکور، ممنوع اعلام گردیده است.

منظور از غیر علنی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی این است که به غیر از افرادی مانند متهم شاکی و وکلای آن‌ها یا کارشناس و شهود و افراد مطلع که حضور آن‌ها لازم دانسته شده است، سایر افراد، حق حضور در جلسه تحقیقات مقدماتی را ندارند و این تحقیقات خواه به وسیله ضابطین انجام شود و خواه به وسیله مقامات قضایی هر صورت غیر علنی است.

ماده ۳۵۲ قانون یادشده، اصل را بر علنی بودن محاکمات گذارده و به موجب همین ماده، مواردی را از دایره شمول این اصل خارج ساخته است؛ و تبصره ذیل آن، منظور از علنی بودن را عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسه رسیدگی دانسته است.

کشورهایی که این اصل را در رسیدگی های قضایی مورد استفاده قرار می دهند به دودسته تقسیم شده اند. دسته اول کشورهایی هستند که دیدگاه سنتی خود را از اصل علنی بودن دادرسی ها حفظ کرده اند و از تفسیر مضیق این اصل استفاده کرده اند و صرفاً عدم مانع برای حضور در دادرسی را از معیارهای علنی بودن می دارند. اما دسته دیگر، کشورهایی هستند که دیدگاه جدیدی نسبت به این اصل دارند و حضور فیزیکی را شرط و معیار علنی بودن نمی دانند بلکه با تصویب مقررات جدیدی در این زمینه، مانند قوانین دسترسی الکترونیکی و آنلاین به دادرسی ها که برای مثال در برخی از ایالت های امریکا و کانادا به تصویب رسیده اند، راه دسترسی را برای عموم و رسانه ها باز کرده اند و مفهوم علنی بودن را از این محدودیت صرف حضور، خارج کرده اند و این همان تفسیر موسع از اصل علنی بودن دادرسی ها می باشد.^۱

به نظر میرسد قانون گذار ما در یک تشنگ ناگزیر، سیاست یک بام و دو هوا را اتخاذ کرده است؛ چرا که سعی داشته خود را پایبند و ملتزم به اصول کرامت مدار دادرسی منصفانه بداند اما در نتیجه ای خودآگاه یا ناخودآگاه در مواردی از الزامات مورد نظر خود عدول کرده است؛ که تبصره ۲ ماده ۳۵۲ را باید یکی از این موارد عدول از اصل تلقی نمود.

۴-۵- اصل حریم خصوصی

یکی دیگر از محدودیت های حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی، رعایت حریم خصوصی طرفین دعوا و افراد درگیر در پرونده می باشد که ممکن است از اصحاب دعوا گرفته تا شهود و مطلعین و کارشناسان و غیره، دامنه این حریم خصوصی افزایش یابد. حریم خصوصی عبارت است از حق بر تنها ماندن. حریم خصوصی یعنی دسترسی

۱- انصاری، باقر، مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، ش ۳۵، ۱۳۹۰.

محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی های ناخواسته به انسان. حریم خصوصی یعنی محرمانگی و پنهان ساختن برخی از امور از دیگران. حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی.

حریم خصوصی به معنای حفظ کرامت، اسرار و اطلاعات شخصی افراد است که نباید بدون مجوز قانونی و رعایت تشریفات قضایی مورد تعرض قرار گیرد. قانون آیین دادرسی کیفری ورود به حریم خصوصی افراد را جز به حکم قانون و تحت نظارت مقام قضایی ممنوع کرده است (ماده ۴ و ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

رعایت حریم خصوصی شامل ممنوعیت افشای غیرمجاز اطلاعات شخصی، محرمانه ماندن مکاتبات، جلوگیری از انتشار نام و مشخصات متهم و شاکی بدون مجوز قانونی است. حمایت از حریم خصوصی در قوانین کیفری ایران با هدف حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از تجسس غیرمجاز و افشای اسرار صورت می گیرد.^۱

در مواردی ضبط تصویر یا صدای افراد و پخش آن در مکان یا موقعیتی عرفاً حساس صورت می پذیرد که می تواند ناقض حریم خصوصی آنان محسوب گردد. بیمارستان ها و مراکز درمانی، زندان ها، کلانتری ها، دادرها و تیمارستان ها از بارزترین مصادیق مکان های حساسی اند که فعالیت رسانه ها در این مکان ها باعث نقض حریم خصوصی اصحاب دعوا و سایرین می شود. علاوه بر این ضبط صدا و تصویر افراد حاضر، نیازمند رضایت آن ها یا نمایندگان قانونی آن هاست.^۲

مجموعه قوانین مرتبط با حریم خصوصی در ایالات متحده برای نقض حریم خصوصی چهار رکن اصلی بر شمرده اند که محدوده و تعریف حریم خصوصی را مشخص می کند: ۱- تعدی به قلمرو حریم خصوصی افراد ۲- افشا کردن موارد حریم خصوصی زندگی افراد به شکلی که این کار باعث شرمساری آن ها گردد. ۳- انتشار مکانی که شاکی را در شرایط ناحق و ناعادلانه در دیدگاه عموم قرار داده باشد. ۴- سوءاستفاده از اسم و شهرت دیگران.^۳

از این رو باید گفت انتشار گزارش پرونده و یا انتشار جریان محاکمه با شرایط مقرر در تبصره ۲ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، به جهت رونمایی و اعلام عمومی نام و

۱- فلاح، محسن، بررسی اصل رعایت حریم خصوصی اشخاص در قانون آیین دادرسی کیفری ایران با تاکید بر دادرسی عادلانه، دومین کنفرانس بین المللی تحقیقات بنیادین در حقوق و علوم قضایی، تهران، ۱۴۰۰.

۲- محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، ایالات متحده امریکا و فقه امامیه، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.

۳- محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، ایالات متحده امریکا و فقه امامیه، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.

مشخصات طرفین پرونده و حتی دیگر افراد دخیل در پرونده، به رغم عدم رضایت هر یک از آنان، از مصادیق بارز نقض حریم خصوصی افراد است.

قانون آزادی مطبوعات فرانسه (Loi sur la liberte de la presse: 2007) در ماده ۳-۳۵ اذعان می دارد: انتشار مطلب درباره اشخاص بدون در نظر گرفتن رضایت یا عدم رضایت آن ها ممنوع است؛ خواه مطالب چاپ شده به نفع اشخاص باشد و خواه به ضرر آن ها. چاپ و نشر مطالب و تصویر اشخاص شناخته شده یا قابل شناسایی، به هر طریق و هر وسیله که باشد برای ذینفع حق اقامه ی دعوی کیفری به وجود می آورد.

این ماده، در ادامه، مرتکب را متجاوز به حریم خصوصی افراد دانسته و برای وی مجازات در نظر گرفته است.

تردیدی نیست که وقوع عمل مجرمانه، بنیان امنیت روانی جامعه را متزلزل می سازد و علنی ساختن تقابل و رویارویی قانونی با عمل مجرمانه و اعمال مجازات در مرئی و منظر عمومی و اطلاع رسانی در این خصوص، موجبات تشفی خاطر جامعه را فراهم می سازد؛ اما نباید از نظر دور داشت که نمی توان به بهانه و با توجیه آرامش خاطر و اعتمادسازی عمومی، حقوق متهم و بزه دیده را نادیده انگاشت و آبرو و حیثیت و حریم خصوصی افراد را در این فرآیند به حراج گذاشت.

۵- توجیه پذیری انتشار، همراه با مشخصات طرفین دعوا، در پرتو مصالح عمومی

دریافتیم که انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده با ذکر نام و مشخصات طرفین (موضوع تبصره ۲ ماده ۳۵۳ ق آدک)، در تناقض مسلم با رعایت اصول جهان شمول و بنیادین دادرسی کیفری است؛ اما آنچه در این رهگذر، این تجویز قانونی را با وجود شرط ضرورت قابل توجیه و تاویل می سازد، رعایت مصالح عمومی یا همان مصلحت عامه است؛ که در موارد تداخل با مصلحت فردی، تفوق و برتری رعایت آن حتی اگر رعایت آن مستلزم نقض مصلحت فردی باشد، باز هم تفوق و برتری دارد.

رعایت مصلحت عموم جامعه و احقاق آن، یکی از اهداف اولیه و اصلی هر حکومتی است. منظور از مصالح عمومی، خیر و صلاح مشترک جامعه است که تضمین کننده رعایت حقوق، ارزش ها و اهداف یک نظام سیاسی است که تأمین آن ها نیازمند اتخاذ تصمیمات مختلفی از جانب حاکمان در موقعیت ها و شرایط گوناگون است. شناخت این که مصلحت عمومی در یک جامعه چیست و چه تصمیماتی موجب تأمین این مصالح می شود از موضوعاتی است که در هر جامعه ای با توجه به مختصات خاص آن متفاوت خواهد بود؛ اما نقطه مشترک و مورد اتفاق همگان بر این است که تحقق مصالح عمومی از وظایف اصلی حکومت و حتی از نگاه برخی هدف آن به حساب

می آید. موضوع مصالح عمومی دارای مبانی فقهی و حقوقی مختلفی است و از دو جنبه فقهی و حقوقی نیز به آن پرداخته شده است. رعایت مصالح عمومی اگرچه وظیفه عام همه نهادهای حاکمیتی است، اما در هر نظام سیاسی نهادهای خاصی نیز برای تشخیص این مصالح در موارد خاص تشکیل می گردند. مجمع تشخیص مصلحت نظام را می توان نهاد خاصی در نظام جمهوری اسلامی ایران دانست که به صورت خاص رعایت مصلحت را در نظام سیاسی حقوقی کشورمان دنبال می نماید (گزارش پژوهی؛ ۱۳۹۵/۶/۳۱-۱۳۹۵/۰۳/۶)

مصالح عمومی، رعایت خیر و صالح مشترک جامعه است که متضمن رعایت حقوق، ارزش ها و اهداف یک نظام سیاسی است و مستلزم اتخاذ تصمیمات گوناگون متناسب با موقعیت پیش آمده است.

با این توصیف هنگامی که از مصالح عمومی در حکومت اسلامی سخن به میان می آید می توان گفت مقصود از آن، اشاره به آن دسته از اعمال و اقداماتی دارد که در رساندن عموم افراد موجود در جامعه به هدف غایی خلقت و تحقق مقاصد شارع مقدس مؤثر می باشد.^۱

در شرایطی که اذهان عمومی جامعه نسبت به یک واقعه حساس و آسیب پذیر گردیده، عدم اطلاع رسانی قضایی و نیز عدم شفافیت و پاسخگویی به موقع، چه بسا می تواند موجبات شبهه افکنی ها و شایعه سازی های کذب و مخرب و نیز بروز بی اعتماد عمومی به دستگاه قضایی کشور را فراهم ساخته و حتی به بحرانی جدی در سطح ملی تبدیل شود. در این شرایط، طبیعی و مسلم است که در جهت حفظ نظم و کیان ملی جامعه، جلوگیری از بحران اجتماعی و سیاسی، جلوگیری از تخدیش باورها و وجدان جمعی، حفظ نظم و امنیت کشور و... با انتهای موقت و گذار از اصول اساسی حاکم بر قانون و نقض برخی حقوق طرفین دعوا، مصالح فردی آنان (حفظ حیثیت، کرامت و...) در مسلخ مصالح عمومی قربانی گردد.

امنیت قضایی که به معنای مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض به جان، مال، ناموس، آزادی، شرف، حیثیت، شغل و مسکن و به طور کلی تمام حقوق قانونی و مشروع آنهاست و آن وقتی تحقق پیدا می کند که جرایم، تخلفات، تقلب، فساد و موجبات ارتکاب آن در جامعه ریشه کن شود و به طور کلی عواملی که موجب خسارت مالی یا جانی یا روحی افراد می شوند، از بین بروند و یک محیط امن و آرام به وجود آید تا عموم جامعه بتوانند در آن از هر حیث احساس آرامش و آسایش پیدا کنند.

وقوع هر جرمی به نظم جامعه لطمه میزند. محاکمه و مجازات مجرم با رعایت

۱- علیدوست ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۸.

عدالت در حضور مردم، این خلل را جبران می کند و زخم وارد بر جامعه را التیام می بخشد. قواعد آیین دادرسی کیفری باید به گونه ای تدوین شود که بین برقراری نظم و سرکوبگری از سوی مجریان قانون و ضرورت انجام یک دادرسی عادلانه برای حمایت از حقوق متهمان سازش برقرار کند.

جامعه که قسمتی از حقوق و اختیارات خود را مبنی بر تعقیب و مجازات بزهکاران به تشکیلات منسجم و قانونمندی به نام دادگستری واگذار کرده است، باید این امکان را داشته باشد که بر چگونگی انجام این وظیفه و نحوه احقاق حق در دادگاه ها نظارت کند.

یکی از بهترین شیوه های نظارت بر دستگاه قضایی نیز، حضور مردم در جلسه های دادگاه و ارزیابی صحت و سقم جریان محاکمه از سوی آن هاست. این امر می تواند موجب ارتقای اعتماد جامعه نسبت به نظام عدالت کیفری شود و در پی آن، «امنیت قضایی» افراد به نحو شایسته تضمین خواهد شد.

بروز بحران های اقتصادی اخیر کشور و دستیازی برخی فرصت طلبان در بدنه ی حکومت به اموال بیت المال، موجب گردید تا دستگاه قضایی با اقتدار و تحکم، برای مبارزه با فساد اقتصادی و برخورد قاطع با عاملان بحران، اخلا لگران و سوداگران اقتصادی آستین های جدیت خویش را بالا زند. تا آنجا که حتی از شناسایی، تعقیب و محاکمه ی عناصر تنیده در بدنه و هرم قوه قضاییه نیز فروگذار نکرد.

پرونده اتهامی معروف به «طبری» (معاون اجرایی سابق قوه قضاییه) و پرونده هایی از این قبیل، به لحاظ عمق ماجرا و توسعه تخلفات و اتهامات، نه تنها به لحاظ قضایی بلکه از منظر عموم جامعه نیز از حساسیت ویژه برخوردار بوده و نگاه تیزبینانه و موشکافانه ی وجدان عمومی با دنبال کردن نقادانه ی اخبار و گزارش های منتشره، همواره بر توقع خود از دستگاه قضا به عنوان ملجأ و پناهگاه مظلومین، در برخورد با مفسدین و استقرار عدالت فراگیر، تأکید و ابرام نموده است؛ و لذا تردیدی نیست که پنهان سازی مشخصات طرفین و نیز مکتوم ماندن سازوکار رسیدگی و محاکمه در چنین پرونده هایی، تالی فاسد تزلزل در اعتماد عمومی به دستگاه عدالت و انفکاک مردم از حکومت و گسستن پیوندهای ملی و میهنی را در پی خواهد داشت؛ و با این توجیه منطقی است که در توزین منافع و مصالح، جنبه ی عمومی آن رجحان می یابد.

جالب اینکه رویکرد این مصلحت اندیشانه در انتشار گزارش پرونده و یا انتشار جریان دادرسی با ذکر مشخصات اطراف دعوا، در قوانین کشورهای متمدنی نیز به چشم می خورد.

قانون آزادی مطبوعات فرانسه در بخش پنجم خود با عنوان «انتشارهای ممنوع و

مصونیت های دفاعی^۱ در ماده ۳۸ انتشار اسناد و مدارک اتهام و تمام موارد مربوط به دعوای اقامه شده در دادگاه کیفری یا انتشار اقدامات تأدیبی و تربیتی پیش از اینکه جلسه دادگاه آغاز شود را مستوجب مجازات جزای نقدی دانسته است.

صرف نظر از ترتیبات عمومی مندرج در ماده ۱۵ مجموعه قوانین جزایی، انتشار دادن هرگونه اطلاعات و اخبار مربوط به کار، شغل و مذاکرات مشورتی مقامات قضایی ممنوع بوده و مرتکب آن تحت همان مجازات قرار می گیرد، به استثنای ارائه اطلاعات مربوط به مصالح عمومی و تعلیمات عمومی که در این ماده بیان شده و مربوط به نظم عمومی بوده و هرچند ارائه این اطلاعات اقدامی علیه صاحب منصبان قضایی می باشد ولی نشریات می توانند اطلاعات و مدارک مربوطه را صرفاً با اجازه رئیس یا معاون رئیس انتشار دهند.

ماده ۲-۳۸ نیز که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۰، تدوین شده و در تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۲ لازم الاجرا شده است بیان می دارد: در زمان شروع جلسه دادگاه، چه در دادرسی قضایی یا دادرسی اداری باشد، ثبت کردن، انتشار مذاکرات یا تصاویر قضات یا تمام کارکنان ممنوع است مگر با اجازه کتبی دستگاه ذی ربط. رئیس دادگاه مزبور می تواند دستور به انتشار مذاکرات دستگاه مزبور و پشتیبانی از گفتار یا تصاویر کاربردی دهد و تخلف از آن ممنوع می باشد. تخلف از هر یک از ترتیبات موجود در ماده قانونی حاضر به ۴۵۰۰ یورو و جزای نقدی قابل مجازات خواهد بود. به عبارت دیگر، دادگاه می تواند مجازات مادی و نقدی علیه متخلفین اعمال کند و از گفتار و تصویر موجود حمایت کند. همچنین انتقال یا انتشار مذاکرات دادرسی به هر شیوه و روشی خواه از طریق ثبت و ضبط یا از طریق ارائه اسناد دریافتی صورت گیرد ممنوع بوده و تخلف از آن جرم می باشد و در صورت تخلف از ترتیبات مادی حاضر مرتکب آن قابل مجازات خواهد بود.

هم چنین گزارش دادن از مذاکرات داخلی، خواه گزارشات هیات منصفه، خواه دادگاه و دادسرا ممنوع است. به هرگونه تخلف از موارد این ممنوعیت، ۱۸۰۰۰ یورو جزای نقدی تعلق می گیرد. (ماده ۳۹)

در صورت انتشار و پخش هرگونه اطلاعات مربوط به هویت یا شناسنامه افراد ۱۵۰۰۰ یورو جزای نقدی به عنوان مجازات، اعمال خواهد شد. (ماده ۲-۳۹)^۲

1- publications interdites, immunités de la défense

۲- به نقل از فصلنامه علوم خبری شماره ۱۵- حق دسترسی رسانه ها به اطلاعات قضایی (با مطالعه تطبیقی در ایران، فرانسه و آمریکا / علیرضا اقمشه، امیر سلمان پور.

۶- اعاده ی حیثیت طرفین پرونده

همان گونه که گفته شد حفظ اعتبار و شخصیت فردی و اجتماعی اشخاص، از جمله حقوق شناخته شده و مسلم افراد است که قانون اساسی در اصول ۲۲، ۳۷، ۱۷۱ بدان توجه نموده و آن را مورد تأکید قرار داده است.

در چارچوب ضابطه ی سببیت، هر کس موجب هتک حیثیت شخصی یا اجتماعی یا تزلزل موقعیت یا لطمه به اعتبار معنوی دیگری گردد، در چارچوب ضابطه سببیت و به حکم قاعده لا ضرر مکلف احیای حقوق از دست رفته زیان دیده و اعاده وضعیت و ارتقای شخصیت تنزل یافته وی خواهد بود.

به طور کلی، اعاده حیثیت در حقوق کیفری از دو منظر مورد بحث است: الف- بازگرداندن اعتبار از دست رفته شخصی که بی گناهی وی به موجب حکم قطعی دادگاه محرز و مسلم گردیده و ب- بازپذیری حقوق اجتماعی یا امکان سازی بازگشت شخصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا به تبع آن از تمام یا برخی حقوق اجتماعی محروم گردیده است.

اما آنچه در این مجال مورد نظر است، اعاده حیثیت در مفهوم اول می باشد.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این باره تأکید کرده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد»

ماده ی ۱۰ قانون مسئولیت مدنی نیز برای تحقق این مهم، مقرر کرده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود، می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) هم در مواد ۶۹۷ و ۶۹۸^۱ هرگونه انتساب ناروای عمل مجرمانه به دیگران و حتی انتشار هر مطلب دروغی درباره‌ی دیگران را جرم شناخته و هم چنین تأکید کرده که باید از شخصی که آبروی او بر اثر نسبت دادن غیرواقعی چنین اعمالی آسیب دیده است، «اعاده‌ی حیثیت» شود.

ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی نوین به امکان جبران زیان معنوی، در تبصره‌ی ذیل این ماده، صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی را در زمره‌ی زیان معنوی ذکر کرده و با حکم دادگاه، رفع زیان وارده را از طریق الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و ... قابل تحقق دانسته است.

اما آنچه در این گذار، محل بحث و نظر است این است که در مواردی که بنا به تجویز تبصره ۲ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری و با شرایط مقرر در تبصره مذکور، گزارش یک پرونده قضایی یا جریان رسیدگی به آن، با ذکر نام و مشخصات اطراف دعوا، در رسانه‌ها منتشر می‌گردد، با فرض اثبات بی‌گناهی و صدور حکم به برائت، قانون‌گذاری که با دغدغه‌ی مصلحت عمومی و احترام به افکار و وجدان جامعه، به تشریع چنین اقدامی مبادرت کرده است چگونه و با چه سازوکار تعبیه‌شده‌ی حقوقی، می‌تواند آبرو و حیثیت از دست‌رفته اشخاص را اعاده نماید؟

واقعیت آن است که جز مستندات قانونی صدرالاشاره در مورد اعاده حیثیت که اصولاً ناظر به اعاده حیثیت در صورت «اشتباه قاضی» (اصل ۱۷۱ قانون اساسی)، «مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر لطمه زننده به حیثیت» (ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی)، «انتساب ناروا و انتشار مطالب کذب» (مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات) و یا «جبران حیثیت بزه دیده توسط مجرم» (ماده ۱۴ و تبصره ذیل ق. آذک) است، موضوع شیوه و دستورالعملی در جهت اعاده حیثیت اشخاصی که نام آنان در حوزه‌ی تبصره ۲ ماده ۳۵۳، منتشرشده و متعاقب آن حکم برائت آنان صادرشده است وجود

۱- ماده ۶۹۷: هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۸: هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضای اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

ندارد و قانون، در این خصوص با سکوت مواجه بوده و همان گونه که اشاره شد ارشاد آمرانه و راهکارهای ارائه شده در مستندات قانونی یادشده در جهت اعاده حیثیت از بحث حاضر، خروج موضوعی دارد.

اگرچه این ایراد، شاید با این پاسخ روبرو باشد که انتشار گزارش پرونده و یا جریان رسیدگی قطعاً با اعلام و انتشار نتیجه‌ی حاصله در پرونده همراه است و بدین سان مقصود (اعاده حیثیت)، حاصل است اما باید در نظر داشت که:

اولاً- هیاهو و شیاع خبر ارتکاب عمل مجرمانه یک شخص، بسیار گسترده تر از خبر براءت وی در گسترهی اجتماع بر سر زبان ها می چرخد.

ثانیاً- گاه مدت زمان رسیدگی به یک پرونده چنان طولانی می گردد که حتی با اعلام و انتشار خبر براءت، آنچه در اذهان عموم، ماندگار و نهادینه شده فراتر از یک اتهام، بوده و تلقی مجرمیت از منظر جامعه گاه تا آنجا پیش می رود که در قضاوت های شتاب زده و عوامانه، صدور حکم به براءت متهم از سوی دادگاه، حمل بر اعمال نفوذ و جانب داری و بی عدالتی می گردد! و لذا برچسب مجرمانه ای که خود قانون زمینه ساز الصاق آن به شخص بوده، به هیچ وجه قابل انفکاک نیست!

ثالثاً- همیشه این حیثیت و آبروی متهم نیست که جریان انتشار پرونده یا انتشار فرآیند دادرسی دچار خدشه و صدمه می گردد؛ بلکه چه بسا بنا به موضوع جرم واقع و جایگاه شخصی و اجتماعی شاکی به عنوان بزه دیده، لطمه به حیثیت، آبرو و اعتبار وی، بسیار سنگین تر و غیر قابل جبران تر باشد و لذا با صدور حکم براءت متهم و با فرض وجود یا پردازش راهکار اعاده حیثیت وی، نه تنها نسبت به شاکی یا بزه دیده اعاده آبرو و اعتبار نمی گردد بلکه از سویی به جهت عدم موفقیت در دعوی و انتشار خبر این شکست، بر آلام وی افزوده می گردد و از دیگر سو، برای همیشه با وجود طعنه ها و زهر خندهای جامعه - که وی را به جهت طرح شکایت واهی و ایراد اتهام خلاف واقع به غیر، مورد نکوهش قرار می دهند- زندگی و تعامل در بستر اجتماع، برای او غیر قابل تحمل و حتی غیر ممکن می گردد.

نتیجه گیری

انتشار جریان دادرسی و گزارش پرونده با ذکر نام و مشخصات اطراف دعوی - اگرچه در تنافر با اصول کرامت مدار تلقی می گردد- لیکن با حصول شرایطی، در قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است.

تبصره ۲ ذیل ماده ۳۵۳ قانون مزبور، تقاضای دادستان کل کشور و موافقت ریاست

قوه قضاییه را برای تجویز این نوع انتشار، لازم دانسته است لیکن حکم حکومتی مقام رهبری در پاسخ به استیذان صورت گرفته از سوی قوه قضاییه که به موجب آن، تجویز انتشار را به تشخیص و اختیار دادگاه رسیدگی کننده واگذار نموده است با توجه به تأخر حکم مزبور (۱۳۹۷/۵/۲۰) بر تاریخ تصویب قانون یادشده، شرط لزوم تقاضای دادستان کل کشور و موافقت ریاست قوه قضاییه را ملغی و آن را نسخ ضمنی نموده است.

اگرچه در نگاه نقادانه، انتشار جریان دادرسی و گزارش پرونده که متضمن مشخصات شاکی و متهم است را باید در تخلف با رعایت اصول کرامت مدار حاکم بر دادرسی کیفری و نقض مسلم حقوق طرفین دانست لیکن در مواقع ضرورت، چه بسا ایجاب می نماید که اصول یادشده و حقوق فردی افراد، تحت الشعاع مصالح عامه قرار گیرد و در جهت جلوگیری از ایجاد بحران های اجتماعی و در راستای پرسشگری و مطالبه گری عمومی، رسیدگی و جریان محاکمات قضایی در معرض افکار و وجدان جامعه قرار گیرد؛ هرچند نمی توان برخی آفات و عوارض غیرقابل جبران بازتاب و شیاع اجتماعی این گونه انتشار عمومی را نادیده انگاشت.

علیرغم انکارناپذیری ضرورت و لزوم انتشار جریان دادرسی همراه با مشخصات اطراف دعوی در موارد خاص و بنا به مصلحت عمومی جامعه، واگذاری تجویز و تشخیص به دادگاه رسیدگی کننده، چه بسا موجبات تکثر در این گونه تجویزها را فراهم ساخته و بدین سان، ضرورت سنجی امر را که می بایست در سطح ملی و حتی فراملی از سوی دولتمردان مورد توجه قرار گیرد، به مقام دادگاه رسیدگی کننده واگذار گردیده که فارغ از آفات و عواقب ملی و فراملی و پیامدهای امنیتی انتشار جریان یک محاکمه همراه با مشخصات طرفین، از این رو بهتر بود اولاً- تجویز انتشار با شرایط و قیود مقرر در تبصره ذیل ماده ۳۵۳ قانون آذک انجام می پذیرفت و ثانیاً- بحث «ضرورت» مندرج در تبصره و شقوق آن در جهت جلوگیری از اعمال سلايق شخصی تبیین و تحدید می گردید. هرچند همان گونه که گفته شد عدول از مقررهی مندرج در تبصره ذیل ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری با عنایت به متن استیذان از مقام رهبری و تجویز مراتب از سوی ایشان را باید نسخ ضمنی دستورالعمل مندرج در تبصره یادشده برشمرد.

Introduction

The public nature of trials is one of the guarantees of criminal rights that allows people to become familiar with judicial processes and strengthen their trust in the judicial system. An advanced criminal justice system must employ all necessary mechanisms to achieve justice so that the rights and dignity of individuals are not compromised. The Iranian Code of Criminal Procedure, with a modern approach and consideration of Islamic teachings and human rights, has recognized the public nature of trials as a fundamental principle, reflected in Article 352 of this law. This principle not only has a historical basis in Iranian law but has also been reinforced by international human rights documents.

Conceptualization

Publicness refers to the freedom of individuals to enter and exit court sessions to become aware of the proceedings. This concept is clearly articulated in the Iranian Code of Criminal Procedure, with the aim of creating public oversight over the courts. In contrast, the publication of trials refers to the media coverage and public announcement of the proceedings in court, which can be done in written, audio, or visual formats. The Iranian Code of Criminal Procedure of 2013 explicitly mentions the possibility of publishing trial proceedings and sets forth the necessary conditions and restrictions for this action.

Conditions and Restrictions for Publication

According to Article 353 of the Code of Criminal Procedure, the publication of trial proceedings and case reports must be done without disclosing the identities of the complainant and the accused. Additionally, the publication of a final ruling is only permitted in specific cases. In public trials, if there is a need to mention the identities of the complainant and the accused, this must be done with the request of the Attorney General and the approval of the head of the judiciary. These conditions and restrictions are established to protect individ-

ual and social rights and to prevent the public conscience from being compromised. Overall, both the public nature and publication of trials serve as tools to enhance transparency and public trust in the judicial system, but they require adherence to specific principles and conditions to safeguard individuals' rights and public interests

Relationship Between Publication and Publicness

The public nature of trials is one of the foundations of the media's right to access judicial information. Countries that apply this principle in judicial proceedings can be divided into two categories: the first category consists of countries that maintain their traditional views and use a limited interpretation of this principle, while the second category includes countries that have enacted new regulations, such as electronic access laws, which extend the concept of publicness beyond physical presence to public access to judicial information. In general, the publication of case reports or trial proceedings does not necessarily correlate with their public nature, and Article 353 of the Code of Criminal Procedure even applies to non-public trials

Necessary Conditions for Publication with Mention of Names and Identifiers

The Iranian Code of Criminal Procedure of 2013 emphasizes the preservation of individuals' dignity and honor and prohibits the disclosure of identities and positions of individuals during proceedings in Article 353. However, the provision of this article sets specific conditions for the publication of trial proceedings and case reports with the mention of the complainant's and accused's identities. These conditions include the public nature of the trial, the potential compromise of public conscience, or the necessity of publication. If the presiding court declares the trial to be non-public, publication is not permitted

Publication of Trial Proceedings from the Perspective of Human Dignity Principles

Judicial security means protecting individuals in society from any form of assault and threat to their legal rights. The directive on preserving

human dignity and values within the judiciary emphasizes principles such as the public nature of trials and equality before the law. Judicial authorities are obligated to uphold human dignity and respect for individuals throughout all stages of proceedings. These principles contribute to ensuring justice and creating a safe and peaceful environment for society, preventing legal issues and challenges

Ultimately, the publication of judicial information must be conducted in accordance with legal principles and the preservation of human dignity to prevent harm to individual and social rights

Publication of Trial Proceedings from the Perspective of Human Dignity Principles

Judicial security refers to the protection of individuals in society from assaults and threats to their legal and legitimate rights. This security is achieved when the factors that create crime and corruption are eliminated, providing a safe and peaceful environment for society. The directive on preserving human dignity and values within the judiciary emphasizes principles such as the public nature of trials, equality before the law, and the preservation of human dignity. These principles require judicial authorities to respect individuals' rights throughout all stages of the trial process

Principle of Presumption of Innocence

The principle of presumption of innocence is one of the fundamental principles of criminal law, meaning that the accused is presumed innocent until proven otherwise. This principle is clearly stated in various laws, including the Constitution and the Code of Criminal Procedure of Iran. The publication of case reports and trial proceedings can lead to a violation of this principle and distance public perception from the presumption of innocence. This may result in hasty judgments and social biases that harm the credibility of the judicial system

Principle of Protection of Dignity and Necessity of Preserving Human Dignity

Preserving the dignity and honor of individuals is one of the fundamental rights of citizens, as referenced in Articles 22 and 37 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. The publication of the names and details of the accused, even in cases of mere suspicion of committing a crime, can lead to the tarnishing of their reputation and dignity. These principles are recognized not only in the Iranian legal system but also in the legal systems of countries that advocate for human rights

Principle of Privacy

The privacy of individuals in the course of legal proceedings must be maintained, and the publication of information related to the identities of the accused and other parties involved in the case, without their consent, constitutes a violation of privacy. Various laws, including the French Press Freedom Law, emphasize the prohibition of publishing information without individuals' consent. Ultimately, it must be noted that public safety and community peace cannot overshadow the rights of the accused and victims, nor can they jeopardize their dignity and reputation

Justification for the Publication of Trial Proceedings in Light of Public Interests

The publication of trial proceedings and case reports with the names and details of the parties, although in conflict with fundamental principles of criminal procedure, can be justified in specific circumstances due to the necessity of public interest. Public interest refers to the common good of society, and in situations where public perception becomes sensitive regarding an event, a lack of information can lead to rumor-mongering and distrust in the judicial system. In such cases, maintaining social order and security may justify the need for information publication, even if it results in a violation of individual rights

Legal Principles and Requirements

In the Islamic Republic of Iran, public interest is recognized as one of the primary objectives of the government, with institutions like the Expediency Discernment Council established to determine these in-

terests. However, the publication of information must be conducted in accordance with principles of human dignity and individual rights. In the Code of Criminal Procedure, Article 353, the publication of information related to the parties involved in a case is contingent upon the request of the Attorney General and the approval of the head of the judiciary, but this requirement has been nullified by a ruling from the Supreme Leader.

Restoration of Dignity and Its Challenges

Preserving the credibility and dignity of individuals is a recognized right in the Constitution, and restoring dignity can be challenging in cases of misinformation. When individuals' names are published in the media, even with a ruling of acquittal, negative impacts on their reputation and dignity may persist. This not only affects the accused but also negatively impacts the complainant, potentially undermining public trust in the judicial system.

Conclusion

The publication of trial proceedings with the details of the parties involved may be necessary in specific situations and with consideration of public interest, but it must be done cautiously and in compliance with legal principles. It is preferable for the authorization of such publication to be subject to specific conditions and restrictions to prevent negative consequences and violations of individual rights. Ultimately, the social and security implications of this type of information publication should be examined at both national and international levels.

۱. اکبری رومنی، فرناز، اصل برائت در گذار تاریخ، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۲، ۶۳۰، بهار و تابستان ۱۳۸۷
۲. امیدی، جلیل و سمیه نیکویی، مدرس علوم انسانی، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷ شماره ۳، پیاپی ۵۸
۳. امیدی، جلیل، تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، مدرس علوم انسانی- پژوهش های حقوق تطبیقی ۱۳۸۷ شماره ۳ (پیاپی ۵۸)
۴. انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، چ ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۷
۵. انصاری، باقر، مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه ها به دادرسی ها و اطلاعات قضایی فصلنامه پژوهش حقوق، سال ۱۳، ش ۳۵، ۱۳۹۰
۶. آشوری، منوچهر و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، چ ۱، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، فروردین ۱۴۸۳
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، چ ۲، تهران گنج دانش، ۱۳۸۱
۸. حدیثی، عبدالرزاق و عمر فخری، حق المتهم فی محاکمه عادلّه؛ الطبعه الولی، دارالثقافه النشر و التوزیع، ۲۰۰۴.
۹. خالقی، علی، علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی، مجله پژوهش های حقوقی، ش ۵، ۱۳۸۳.
۱۰. دیانی، عبدالرسول، ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری، نشر تدریس، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۱۱. رحمانی، قدرت الله، استثنا پذیری اصل علنی بودن دادرسی در رسیدگی به جرایم رسانه ای: گذار از یک سنت معیوب قضایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸(۳۱)، ۱۳۹۹، ۱۷۷-۱۹۸.
۱۲. شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۳. شرکشیان، سید حسین، اصل برائت متهم در حقوق کیفری ایران، روزنامه حیات نو، ۱۳۸۳
۱۴. شکری، پرریان، خالقی، ابولفتح، مطالعه حق بر دادرسی علنی و حضوری در دیوان

- کیفری بین المللی و حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ۱۴۰۲.
۱۵. طباطبایی مؤتمنی، م، آزادی های عمومی و حقوق بشر؛ ج ۳، تهران مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۲
۱۶. علیدوست ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۸
۱۷. گزارش پژوهی، شماره مسلسل ۱۳۹۵۰۰۳۶-۱۳۹۵/۶/۳۱ آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم «مصلح عمومی»، پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۸. محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، ایالات متحده امریکا و فقه امامیه، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹
۱۹. مدنی شیرازی، علی خان بن احمد، الطراز الأول، محقق: السید علی بن أحمد بن محمد معصوم الحسینی، قم، ۱۴۲۶ هـ ق
۲۰. نکویی، سمیه، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۶ و ۵۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
۲۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۲۲. قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵
۲۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۵. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
۲۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۷. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
۲۸. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر
۲۹. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
۳۰. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸